هو العلیم

استفاده از کالاهای خارجی

آیة اللَه حاج سید محمد محسن حسینی طهرانی

جلسات شرح حدیث عنوان بصری

مقالۀ ذیل که بخشی از یکصد و سومین جلسۀ شرح حدیث عنوان بصری می باشد توسط حضرت استاد سید محمّد محسن حسینی طهرانی دامت افاضاته ایراد گردیده است ،و به بررسی استفاده از کالاهای خارجی در مقابل کالاهای داخلی و اینکه آیا استفاده از محصولات سایر کشورها با وجود تولیدات داخلی امری است مستحسن یا مذموم پرداخته است.

بسم اللَه الرّحمن الرّحیم

## اهمّیّت فوق العادۀ استماع فرمایشات اولیاء الهی

در يکی از نوارهايی که از مرحوم علامه طهرانی راجع به سیر و سلوک بجای مانده است (رفقا قاعدتاً بايد شنيده باشند، زیرا بنده بارها عرض کرده ام برای کسانی که بخواهند راه خدا را طی کنند شنيدن مطالبی که از ايشان باقیمانده از اوجب واجبات است، شوخی هم نکردم ، الآن هم تکرار می کنم. اين را هم بدانيد بنده اين مطالب را شايد بيست دفعه از ايشان شنيده ام و باز هم گوش می دهم و ضرر هم نمی کنم، چون انسان کلامی را که از دهان اوليای خدا بشنود خيلی فرق می کند تا بنده و امثال بنده بخواهيم مطالب را بيان کنيم. اگر مطلبی هست آنجاست و اگر مطلبی را بنده می گويم از آن سرچشمه عرض می کنم و از خود مطلبی ندارم و ما در مظانّ چنين جایگاهی هم نيستيم). ايشان قضيه ای را تعریف می کنند که وقتی برای معالجۀ چشم در بيمارستان بودند و ما هم آنجا در خدمتشان بوديم، موقع ظهر که می شد، می فرمودند:

فلانی سفرۀ ما را بياور، وقتی که غذا را می آوردند ، ( سفره عبارت بود از آن دستمال کاغذی که آن را هم پرستارها می آوردند و دستمال کاغذی می گذاشتيم جلو و پهن می کرديم، اين سفرۀ شاهانه ما بود) ، بعد هم ايشان با اين تعبير می فرمودند:

بياوريد سفرۀ شاهانۀ ما را پهن کنيد غذا بخوريم، بعد می فرمودند: فلانی اين سفرۀ ما را رئيس جمهور آمريکا هم ندارد، و راست و درست هم می فرمودند، يعنی وقتی که اين مطلب را می گفتند مشخص بود که از چه دريچه ای به حوادث و حقائق نگاه می کنند.

 می فرمودند: اين خوشی و لذّت و بی خيالی و راحتی و اطمينان و سکونت کجا پيدا می شود؟ موقع ظهر است بالاخره اين شکم بايد چيزی درونش برود تا سير شود و الاّ به دردسر و اذيّت می افتد، حالا شما سفره ای بيندازيد که بشقاب ها و قاشق ها از طلا و برليان باشد، خُب عزيز من شما برليان و طلا را که نمی خوری! شما غذايی که درونش هست را می خوری!

## سالکان طریق الهی نباید به امور اعتباریه دنیا توجّهی داشته باشند

 حالا جنس ظروف هر چه می خواهد باشد، انسان وقت و عمر و تمام سرمايه اش را بگذارد و به جای اينکه به آن مسائل اساسی و حياتی بخواهد برسد، در جمع اموری باشد که آن امور به اندازۀ پشيزی در رشد و کمال و صلاح او نه تنها هيچ گونه تأثيری ندارد، بلکه موجب تشتّت ذهن و پرداختن به امور اعتباری خواهد شد.

خاصيّت غذايی که در يک ظرف چينی و عادی و بلور و مسی (البتّه ظرف بايد از نظر بهداشتی، ظرف خوبی باشد)، از نظر ويتامين ها و مواد آلی و امثال ذلک وجود دارد (بنده به همۀ شما قول می دهم) به اندازۀ سر سوزنی با ظرفی که تماما از برليان خالص باشد فرقی نمی کند، هيچ تفاوت ندارد! قبول نداريد امتحان کنيد! (حالا می گوييد: ما ظرف برليان از کجا بياوريم؟ برويد از همين ظرف های گران قيمت بخريد، نخريدها! اگر بخريد که انسان در بعضی مسائل شک می کند!) برويد مقداری برنج بريزيد درونش و يک مقداری هم درون اين ظرف های کائوچويی بريزيد، ببينيد آیا مزه اش فرق می کند يا نه؟ اگر فرق کرد بگوييد آقا اشتباه می کنی! اگر خاصيّتش فرق کرد و مقدار ويتامين هايش فرق کرد و ميزان کالری اش فرق کرد، بياييد به ما ايراد بگيريد، ولی اگر فرقی نکرد بدانيد جای ديگر ايراد دارد به دنبال رفع ايراد بگرديد،

## ملاک در تصمیم گیری ها باید تعقّل باشد و نه توهّمات و تخیّلات!

يک فرد منطقی و عاقل و فردی که به دنبال راه صحيح و مُتقن است بايد در آن امور و در آن مسيری که شئونات خود را قرار می دهد،جنبۀ عُقلايی امور را ملاک قرار دهد و نه از جنبۀ هوا و هوس و تخيّلات در مسائل تصمیم گیری نماید!

خريدن بعضی از وسائل وَلو گران، به نيّت استحکام و به نيّت حُسن عمل و به نيّت دوام هيچ ايراد و اشکالی ندارد، جنبۀ توهّم نبايد در اين خريدها دخالت داشته باشد، من هيچ کسی را نديدم به اندازۀ مرحوم والدمان که اينقدر در رعايت اين مسائلِ اساسی و منطقی، دقيق باشد ( چون ایشان خودشان مدرک فنّی هم داشتند).

 يک وقتی ايشان در بيمارستان بودند، بنده در اغلب اين مواردی که ايشان در بیمارستان بستری می شدند در خدمتشان بودم، طبعا عدّه ای از پزشکان با ايشان ارتباط داشتند يک روز عدّه ای برای ديدن ايشان آمده بودند و نسبت به بعضی از اموری که کوتاهی می شد اعتراض داشتند که: آقا فلان دستگاهی که بهتر از اين بود را می توانستند خريداری کنند، بعضی ها ايراد می گيرند و بعضی از افرادی که اينجا هستند می گويند از فلان کشور بگيريم، بعضی می گويند آنجا ارزان تر است! وقتی اينها مطالبشان را گفتند و رفتند ايشان رو به من کردند و گفتند که:

آقا جان! از قديم گفته اند کسی که جنس ارزانی بخرد معلوم می شود آدم پول داری است، چون فورا خراب می شود و بايد يکی ديگر بخرد، گفتند آدم عاقل برای رسيدن به مقصود خودش بهترين راه و بهترين مورد را بايد انتخاب کند، جان افراد بازيچه نيست که انسان بخواهد بياید آن طور برخورد کند.

 اين حرف، حرف يک عارف است!

## وظیفۀ دولت اسلامی در رابطه با مسائل بهداشتی و رفاهی مردم

 دولت اسلام بايد برای رسيدگی به امور بهداشت و سلامت و امنيّت جامعه و برای بالا بردن سطح علمی، بهترين امکانات را از هر کجای دنيا فراهم کند، اين را يک حرف منطقی می گويند. اين می شود يک حرف عُقلائی! يکی از آن افرادی که در آنجا بود می گفت:

 فلان کشور کمونيستی با اينکه خودش کمونيستی است ولی ٣٧% از بودجۀ کشورش صرف در امور بهداشت می شود، و دستگاه هايی که در آنجا هست حتّی در کشور سازنده اش هم کمتر پيدا می شود.

 (علامه طهرانی) می فرمودند:« اين راه، راه درست است». اينکه انسان وارد توهّمات و تخيّلات بشود و امور خود را بر اساس خيالات بخواهد پی ريزی کند، يک مطلب است و اينکه بهترين راه و بهترين موقع و موقعيّت و بهترين طريق را برای رشد و تعالی ظاهری و باطنی افراد فراهم کند هم، يک مطلبی است، و هر کدام جای خود را دارد.

 ایشان در بيمارستان می فرمودند:

اين دستمال کاغذی ما را رئيس جمهور آمريکا هم ندارد و حرفشان درست بود و حق با ایشان بود و از طرفی هم می فرمودند: بايد گران ترين دستگاه را از تمام دنيا برای بهداشت مردم و گران ترين وسيلۀ نقليه را برای حرکت مردم و برای رفت و آمد مردم و گران ترين تجهیزات را برای تعالی جامعه و رشد جامعه بايد تهيّه کرد ،هر دو درست است آن در جای خود و اين هم در جای خود، هر دو منطقی است و هر دو حق است و هر دو کلام عارف است، چرا؟ چون عارف کلامش مطابق با واقع است!

## ملاک در خریداری و استفاده از کالاهای داخلی و خارجی

 الآن بنده از شما يک سؤال می پرسم، وقتی شما يک وسيلۀ نقليّه می خواهيد بخريد، آيا وقتی می خواهيد بخريد سؤال نمی کنيد که کارخانه چه تضمينی روی اين خودرو داده و کيفيّت ساخت آن به چه نحو است؟ آيا به اين مطالب توجّه نمی کنيد؟ حتما این کار را خواهید کرد، چون زن و بچۀ خود را می خواهيد سوار اين خودرو کنيد و از يک شهر به شهر ديگر برويد، از يک کشوری به کشور ديگر می خواهيد برويد، طُرُق و راه های ارتباطی متفاوت است، در زمستان می خواهيد حرکت کنيد، در تابستان می خواهيد حرکت کنيد، از گردنه ها و پرتگاه ها می خواهيد عبور کنید، اگر به شما بگويند: اين وسيله ای که در اينجا هست ايمنی ندارد، آيا شما باز هم در قبال آن پول می پردازيد؟ اگر اين کار را بکنيد اين مسأله خيلی جای تأمل دارد! يا اينکه نه! می گوييد: آقا من وسيله ای می خواهم که خود و زن و بچه و دوست و رفيقم و مردم سوار آن می شوند، جان آنها محترم است، جان مردم محترم است، بهداشت مردم محترم است، اگر شد از اينجا تهیّه می کنم و اگر نشد وسيله را از خارج می آورم و حق هم با شماست، شما ديگر اينجا نمی گوييد که اگر وسيلۀ غير مطمئنی هم بوده باشد، چه اشکال دارد؟ اگر اين کار را بکنيد اشتباه و خطا کرده ايد، و از طرفی هم اگر انسان صرفا به خاطر تخيّلات و اعتبارات و به خاطر زينت های دنيا بخواهد به کالاهای خارجی مراجعه کند، آن هم خلاف است، اگر در همين کشور اسلامی وسيله ای درست شود کاملا مطمئن، طبق نظر کارشناسان بين المللی وسيله، وسيلۀ مطمئن برای حرکت و نقل و انتقال باشد، چرا انسان از جای ديگر بگيرد، چرا پولش را در کشورهای کفر بريزد؟ چرا پولش را بدهد به کسانی که تمام اهداف آنها مال اندوزی و جمع ذخاير و امکانات ملل دنيا و ملت های فقير می باشد ! چرا انسان به آنها پول بپردازد؟ حتّی شرعا هم اشکال دارد!! اما اگر امر دائر باشد بين اينکه انسان بخواهد به يک وسيلۀ نامطمئن رو بياورد يا اينکه از خارج تهيه کند، قطعا بايد از خارج تهيه کند و شکّی هم در این نيست!! در اسلام، و در راه خدا تمام امور بر اساس واقعيّت و منطبق بر آن می باشد و تمام شئونات و شخصيّت ها و کارهای انسان بايد بر اساس منطق باشد.

## شعار و تبلیغات در منطق معرفت و حقیقت راه ندارد!

جنبۀ عقلايی بايد بر همۀ امور انسان حاکم باشد، شعار، در منطق معرفت و حقيقت راه ندارد، تبليغات، در منطق معرفت و توحيد و راه خدا و جنبۀ عقلانی و منطقی راه ندارد، پرداختن به امور عادی و ظاهری و چشم پر کن راه ندارد، خدا به انسان عقل داده است و طريق استفاده از عقل را اعضا و جوارحی قرار داده است که اين اعضا و جوارح با کسب اطلاعات جزئی و رساندن آن به عقل کمک می کنند تا عقل راه دقيق و صحيح را در مقابل انسان قرار دهد، اين راه می شود راه عقلائی و اين می شود دنيايی که انسان آن دنيا را بايد معبر قرار دهد و محل عبور قرار دهد نه محلّ قرار، ديگر در اين دنيا کيفيّت کارش بايد بر اساس عبور باشد، اين طور نيست که هر کسی بخواهد به هر نحوی که می خواهد زندگی کند.